



اخلاق علم در ایران

احسان شاه قاسمی^{۱*}

چکیده

به رغم جایگاه خوبی که ایران در میان دانشگاه های دنیا دارد، در یک دهه گذشته چندین رسوایی آکادمیک برای دانشگاه ها و استادان و دانشجویان ایرانی اتفاق افتاده و این داستان ها آسیب زیادی به وجهه آکادمیک کشور زده است. موتورهای جستجو و نرم افزارهای کاربردی خاص امکان رهگیری و آشکارسازی بی اخلاقی علمی در فضای مجازی را فراهم کرده اند و حتی مواردی از تقلب در چند دهه پیش، امروز قابل رهگیری هستند. در دو دهه گذشته بارها تلاش شده است وجود جریان جدی از تقلب و بدرفتاری علمی در کشور تکذیب شود اما اکنون با وجود سایت های مخصوص فروش کالاهای علمی و افرادی که در مناطقی از شهر تهران و دیگر شهرهای اصلی کشور برای خدمات شبه-علمی بازاریابی می کنند، انکار وجود جریانی از تقلب و بدرفتاری علمی در آکادمیای ایران را ناممکن می کند. پژوهش حاضر یک مرور نظام مند بر پژوهش های انجام شده بر روی حوزه تقلب در فضای مجازی است. پژوهش های دست اول فضای مجازی در ایران گردآوری و تحلیل شده اند و در نهایت یک تصویر کلی از جنبه های مختلف بی اخلاقی علمی ارائه شده است.

کلید واژه ها: تقلب علمی، اخلاق علمی، پژوهش در فضای مجازی، دستبرد فکری

مقدمه

در دو دهه گذشته فضای مجازی فرصتی شگفت‌انگیز برای اشتراک دانش فراهم آورده است. برآمدن فضای دوم (نگاه کنید به عاملی، ۱۳۸۳، ۱۳۸۵، ۱۳۸۸، ۱۳۹۰) باعث شده تا پژوهشگران جوان در جهان سوم خود را در فضایی (البته با برخی ملاحظات) برابر ببینند و امکان استفاده از گنجینه‌های ارزشمند دانش بشری را پیدا کنند. مهم‌تر از آن، پژوهشگران جوان امکان گرفتن ارتباط مستقیم با دیگر پژوهشگران در دیگر نقاط جهان را پیدا کرده‌اند. اما، ویژگی‌های خاص فضای مجازی، از جمله آسانی کپی کردن و چسباندن، باعث شده شکل نوی از بدرفتاری آکادمیک ایجاد شود که در دو دهه گذشته برای پژوهشگران در رشته‌های مختلف (چنان که در همین پژوهش هم خواهیم دید) هشدار در مورد ادامه روند سالم تولید علم بدهد.

دانشجویان هسته نیروهای کارآمد جامعه در سال‌های آینده هستند. پژوهشگران بزرگ امروز، دانشجویان پرتلاش دیروز هستند. برای تشویق دانشجویان پرتلاش به ادامه کار، نیاز به یک نظام کارآمد ارزشیابی وجود دارد. بدون وجود این نظام کارآمد، دانشجویان نخبه و بااخلاق در پشت درها خواهند ماند و افراد متقلب و سوء استفاده‌گر آینده کشور (و جامعه بشری در مقیاس گسترده‌تر) را به دست خواهند گرفت. متأسفانه آن‌چه امروز به عنوان معضل مقاله‌فروشی و پایان‌نامه‌فروشی شاهد آن هستیم (برای نمونه نگاه کنید به شاه‌قاسمی و اخوان، ۲۰۱۵)، چیزی جز ضعف نهادهای نظارتی در درون دانشگاه را نشان نمی‌دهد. یکی از شیوه‌های تشویق انجام اقدامات جدی‌تر، ایجاد آگاهی در مورد گستره و عمق تقلب در فضای مجازی است. بدون شک، انجام پژوهش در حوزه اخلاق علمی در فضای مجازی، در سال‌های نه‌چندان دور اقدامات جدی‌تری برای پالایش فضای پژوهش علمی را در پی خواهد داشت. در حال حاضر هم پژوهشگران بسیاری به اهمیت پژوهش در این حوزه واقف هستند و پژوهش‌های زیادی در این مورد انجام شده که مطالعه حاضر به دنبال انجام یک فراتحلیل از این پژوهش‌هاست.

۱- روش‌شناسی

این پژوهش یک فراتحلیل یا مرور نظام‌مند است. مرور نظام‌مند «یک مرور بر روش‌ها و نتایج تعدادی از مطالعات تکین است که برای پاسخ دادن به یک پرسش پژوهشی طراحی شده‌اند و با یک مجموعه معیارها همخوانی دارند» (بروس و دیگران، ۲۰۰۸: ۳۹۳). بر این اساس، با به کارگیری چند کلیدواژه، جستجوهای را در پایگاه‌های پژوهشی فارسی‌زبان

انجام دادیم و پژوهش های علمی مرتبط با این موضوع را استخراج و تحلیل کردیم. در کل، ۱۳ پژوهش در مورد نگرش سنجی دانشجویان (یا گروه های مشارکت کنندگانی که در آن ها بخش هایی از دانشجویان وجود داشتند) یافته و در این پژوهش تحلیل شدند.

۲- یافته ها

تقریباً همه پژوهشگران نشان دادند که تقلب علمی در میان دانشجویان ایرانی در سطح بالایی قرار دارد و همه مطالعات روندی هم نشان دادند که همزمان با ظهور و گسترش فضای مجازی، تقلب علمی در ایران افزایش یافته است. بیشتر پژوهش ها توصیه کردند که دانشگاه ها برای پرهیز از تقلب و دستبرد علمی، برای دانشجویان خود دوره های آموزشی برگزار کنند چون از نظر پژوهشگران، انجام تقلب در فضای مجازی تا حد زیادی ناشی از ناآگاهی دانشجویان از جزئیات انواع تقلب علمی است.

نخعی و نیکپور (۱۳۸۴) به منظور تعیین شیوع فریب کاری پژوهشی در بین دانشجویان سال آخر پزشکی بر اساس گزارش خود آنان و تعیین نگرش آنان نسبت به برخی از موارد فریب کاری علمی، پژوهشی انجام دادند. آن ها با انجام یک تمام شماری، کلیه دانشجویان سال آخر پزشکی در دانشگاه خود شامل ۱۰۴ نفر را به عنوان نمونه انتخاب کردند. آن ها از پرسشنامه ای شامل هفت نوع از موارد اصلی بدرفتاری پژوهشی کمک گرفتند که با استفاده از متون معتبر و بحث گروهی با دانشجویان علاقمند، تعیین شده بود. از دانشجویان خواسته شد تا فراوانی نسبی هر یک از انواع بدرفتاری پژوهشی را تعیین و نگرش خود را از طریق میزان تایید انواع بدرفتاری های پژوهشی بر روی مقیاس پنج درجه ای لیکرت (از کاملاً مورد تایید تا کاملاً مردود) مشخص کنند. میانه «جعل داده ها» و «دستکاری نتایج» به ترتیب ۳۷ و ۴۰ درصد بود و دانشجویان مورد مطالعه، دستبرد ادبی را بین ۲۵ تا ۵۰ درصد تخمین زدند. در حالی که ۷۱ درصد از دانشجویان عدم رعایت اصول اخلاقی در رابطه با بیماران را مردود می دانستند، «کپی گرفتن برخی مطالب پایان نامه از سایر منابع» به عنوان یکی از موارد فریب کاری پژوهشی مورد تایید حدود ۵۸ درصد از آنان بود. نخعی و نیکپور نتیجه گرفتند که اگر یافته های آن ها به کل کشور قابل تعمیم باشد می توان آن را به عنوان یک مشکل جدی آموزشی و اخلاقی تلقی کرد.

کوچکی و دیگران (۱۳۹۰) برای ارزیابی کمی میزان رعایت اخلاق پژوهشی در مقالات علوم زراعی که در طی سه دهه گذشته (۸۳-۱۳۶۰) منتشر شده اند، تعداد ۱۲۶۹ مقاله که در مجلات مختلف علمی-پژوهشی کشور به چاپ رسیده است، را بررسی کردند. نتایج آن ها نشان داد که انواع مختلف همپوشانی در عنوان، گیاه هدف، تیمارهای آزمایشی و صفات مورد

مطالعه با فراوانی حدود ۲۶ درصد در مقالات تحت بررسی وجود داشت که براساس مرامنامه های اخلاقی، اقتباس ایده بدون ذکر نام محسوب می شود، اگرچه در عرف رایج تخلف پژوهشی به شمار نمی رود. عددسازی یا گمراه سازی که تشخیص آن بر اساس ضریب تغییرات آزمایش، احتمال خطای نوع اول، عدم انطباق نتایج تجزیه واریانس و رگرسیون های ارائه شده در مقالات صورت گرفته است، از جمله انواع تخلفات پژوهشی بود که با فراوانی حدود چهار درصد در کل مقالات شناسایی شد. دستبرد علمی، تحریف و گزارش نادرست نتایج سایر محققین در بین ۱۲ درصد از مقالات مورد بررسی ردیابی شد که به طور معنی داری بیشتر از سایر تخلفات بود. کوچکی و همکارانش همچنین نشان دادند که بروز تخلفات پژوهشی در مقالاتی که نویسندگان اول یا مسئول آنها دانشجویان بوده اند به طور معنی داری بیشتر از مقالات اعضاء هیات علمی دانشگاه ها یا سایر موسسات پژوهشی است. به علاوه انواع مختلف تخلفات پژوهشی در دهه ۸۰ در مقایسه با دهه های ۶۰ و ۷۰ به طور معنی داری افزایش یافته است. به طور کلی، انواعی از تخلفات پژوهشی در ۱۶ درصد از مقالات منتشر شده در سه دهه گذشته قابل تشخیص بود. همچنین، آن ها با بررسی علل مختلف بروز تخلفات نتیجه گرفتند که عدم آگاهی محققین از قوانین، عامل اصلی بداخلاقی های پژوهشی محسوب می شود.

فعلی و دیگران (۱۳۹۱) با روش پژوهش توصیفی - همبستگی و ابزار پرسشنامه ساختارمند تلاش کردند تا نگرش دانشجویان به دستبرد علمی در فضای مجازی را مطالعه کنند. جامعه آماری آن ها همه ۵۵۹ دانشجوی (کارشناسی ارشد و دکتری) دانشکده کشاورزی دانشگاه تربیت مدرس بود که حداقل دو نیمسال تحصیلی را گذرانده بودند که از این میان، تعداد ۲۲۵ نفر را با استفاده از جدول کرجسی و مورگان به روش نمونه گیری تصادفی طبقه ای به عنوان نمونه آماری انتخاب کردند. نتایج توصیفی تحقیق آن ها نشان داد که میزان نگرش و رفتار بیشتر دانشجویان در زمینه دستبرد علمی به ترتیب در سطوح «نسبتاً نامساعد و متوسط» است. همچنین، یافته های تحقیق آن ها نشان داد که بین رفتار دانشجویانی که در کارگاه های آموزشی مقاله نویسی شرکت کرده و آنهایی که شرکت نکرده اند در خصوص دستبرد علمی تفاوت معناداری وجود دارد.

زمانی و دیگران (۱۳۹۲) با انجام پیمایشی تلاش کردند دریابند آیا عوامل تاثیرگذار بر تقلب آنلاین، فارغ از جنسیت و ماهیت رشته علمی دانشجویان یکسان هستند یا نه. آن ها یک طرح توصیفی - مقایسه ای تهیه کردند که در ۴ گام انجام می شد و گام چهارم را به صورت یک مقاله ارائه دادند. آن ها برای گردآوری داده ها از پرسشنامه محقق ساخته استفاده کردند

و نمونه آماری آن‌ها شامل ۳۷۰ دانشجوی دانشگاه اصفهان بود که به روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای از سه دانشکده این دانشگاه انتخاب شدند. یافته‌های پژوهش زمانی و همکارانش نشان داد که تفاوت جنسیتی تنها در سه مولفه از ۹ مولفه تاثیرگذار بر دستبرد علمی وجود دارد، زنان در دو مولفه نگرش‌های بازدارنده از دستبرد علمی، و همچنین دانش و آگاهی نسبت به پدیده دستبرد علمی نسبت به مردان برتری داشتند. ولی میزان خودکارآمدی مردان در انجام کارهای علمی و نوشتن مقاله از زنان بیشتر بود. مقایسه بین رشته‌ها نشان داد که در مولفه‌های دانش و آگاهی از دستبرد علمی و پیامدهای آن و همچنین عدم خودکارآمدی دانشجویان در نوشتن مقاله بین دانشجویان علوم انسانی با علوم پایه و مهندسی تفاوت معناداری وجود داشت. آن‌ها نتیجه گرفتند که دانشگاه‌ها لازم است مقوله دستبرد علمی را جدی بگیرند و دو نوع راهکار برای پیشگیری و جلوگیری از ارتکاب به دستبرد علمی به مسئولان و دست‌اندرکاران توصیه کردند: دسته اول شامل راهکارهای عمومی نظیر تصویب قوانین حقوق مالکیت دارایی‌های فکری، استقرار سازوکارهای روشن در دانشگاه‌ها نظیر تصویب مقررات و آیین‌نامه‌های انضباطی برای مجازات و تنبیه سارقان علمی، همچنین روش‌های کشف و شناسایی الکترونیکی دستبردهای علمی است. دسته دوم راهکارهای تربیتی - اخلاقی و آموزشی است که باید در برنامه درسی دانشگاه‌ها گنجانده شود و براساس رشته تحصیلی و جنسیت ممکن است، متفاوت باشد.

زمانی و دیگران (۱۳۹۲) با انجام مطالعه‌ای تلاش کردند تا عوامل موثر بر دستبرد علمی دانشجویان دانشگاه اصفهان را اولویت‌بندی کنند. آن‌ها از روش پژوهش توصیفی - پیمایشی از نوع کاربردی کمک گرفتند و جامعه آماری آن‌ها همه دانشجویان دانشگاه اصفهان بود که ۳۰۰ نفر از آن‌ها را به روش نمونه‌گیری تصادفی نسبتی انتخاب کردند. ابزار جمع‌آوری داده‌های آن‌ها پرسشنامه محقق ساخته بود و برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش تحلیل عاملی به روش مولفه‌های اصلی با چرخش واریماکس استفاده کردند و نشان دادند که مدرک‌گرایی و توجه زیاد به نمره اولین و مهم‌ترین عامل تاثیرگذار بر دستبرد علمی دانشجویان است؛ سایر عوامل تاثیرگذار به ترتیب اهمیت عبارت‌اند از: نبود احساس خودکارآمدی در دانشجویان در انجام دادن پژوهش و نوشتن گزارش‌های علمی، نبود سازوکارهای مناسب برای تشخیص و تنبیه سارقان علمی، عوامل اجتماعی - فرهنگی، آموزش‌های ناکافی قبلی در باره چگونگی استاد و شناسایی انواع دستبرد علمی در دوران دبیرستان یا در آموزش‌های غیررسمی، تشخیص ندادن دستبرد علمی دانشجویان از سوی استادان و واکنش نشان ندادن به آن، عوامل فشار، آموزش‌های ناکافی در دانشگاه برای شناساندن و نحوه پیشگیری از دستبرد علمی، نداشتن ترس از تنبیه و مواخذه شدن و همه‌گیر شدن فضای مجازی.

عابدینی و دیگران (۱۳۹۳) تلاش کردند رابطه جهت گیری مذهبی، آگاهی از پیامدها و نگرش به دستبرد علمی و پیشرفت تحصیلی در دانشجویان را مطالعه کنند. جامعه آماری پژوهش آن ها را تمامی دانشجویان دانشگاه های اصفهان و علوم پزشکی اصفهان تشکیل می دادند که از میان آن ها تعداد ۲۶۳ نفر به صورت تصادفی طبقه ای به عنوان گروه نمونه انتخاب شدند. پژوهشگران از پرسشنامه جهت گیری مذهبی آلپورت و پرسشنامه محقق ساخته برای دستبرد علمی استفاده کردند. یافته های آن ها نشان داد بین دانشجویان دختر و پسر از نظر نگرش نسبت به دستبرد علمی، تفاوت معناداری وجود دارد و آگاهی از پیامدهای دستبرد علمی و نگرش نسبت به دستبرد علمی با رشته تحصیلی دانشجویان رابطه معنی داری دارد. آن ها رابطه معناداری بین جهت گیری مذهبی و نگرش دانشجویان نسبت به دستبرد علمی مشاهده کردند و نتیجه گرفتند که باورهای درونی شده دینی یک عامل باز دارنده قوی برای جلوگیری از انجام دستبرد علمی در بین دانشجویان است.

جمشیدی بروجنی و دیگران (۱۳۹۳) میزان آگاهی دانشجویان از مصادیق دستبرد علمی و عوامل موثر بر آن را مطالعه کردند. آن ها یک روش پژوهش پیمایشی و از نوع توصیفی-تحلیلی و با ابزار پرسشنامه محقق ساخته را به کار گرفتند. جامعه آماری آن ها کلیه دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه شهید چمران اهواز بود که از این میان، تعداد ۳۵۴ نفر از افراد این جامعه با استفاده از جدول مورگان به روش نمونه گیری تصادفی طبقه به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. آن ها دریافتند که میزان آشنایی دانشجویان با مصادیق دستبرد علمی با توجه به میانگین به دست آمده متوسط است. همچنین، عوامل موثر بر دستبرد علمی به ترتیب: عوامل پرورشی، اقتصادی، فناورانه، اجتماعی، فرهنگی و آموزشی هستند. آن ها به این نتیجه رسیدند که تسلط ناکافی دانشجویان به همه جوانب موضوع پژوهش، توانایی مالی و دادن وجه به شخصی به منظور انجام کار تحقیقاتی یا پروژه، مدرک گرا بودن، کوتاهی در انجام تکالیف محول شده و تاخیر در انجام آن ها و آموزش ندادن شیوه صحیح نگارش مقاله علمی در دانشگاه به دانشجویان مهم ترین دلایل تقلب علمی هستند.

عابدینی (۱۳۹۴) الگویی ساختاری از روابط اهداف پیشرفت، نگرش به دستبرد علمی، میزان انجام آن و عملکرد تحصیلی در دانشجویان دوره های تحصیلات تکمیلی دانشگاه صنعتی اصفهان ارائه کرد. او با استفاده از نمونه گیری تصادفی طبقه-ای تعداد سیصد نفر از دانشجویان انتخاب کرد و ابزار های پژوهش شامل پرسشنامه محقق ساخته برای دستبرد علمی و مقیاس اهداف پیشرفت میگلی و همکاران بهره گرفت و در پایان کار برای تحلیل داده ها از تحلیل مسیر استفاده کرد. یافته های او نشان دهنده تاثیر مستقیم و مثبت اهداف رویکردی-

عملکردی و اجتنابی - عملکردی بر نگرش مثبت به دستبرد علمی و میزان انجام آن و تاثیر مستقیم و منفی اهداف تبحری بر این متغیرها بود. نگرش به دستبرد علمی و میزان انجام دستبرد علمی در میان اهداف پیشرفت و عملکرد تحصیلی دانشجویان، نقشی واسطه ای داشتند. وی نتیجه گرفت که با ترویج اهداف تبحری در نظام آموزش عالی، دستبرد علمی قابل پیشگیری است.

امینی و دیگران (۱۳۹۴) با هدف تعیین شیوع انواع تقلب در بین دانشجویان پزشکی سه سال آخر دانشکده پزشکی شیراز پیمایشی انجام دادند. آن ها ۱۳۶ نفر دانشجوی سه سال آخر پزشکی به صورت تصادفی ساده انتخاب کردند و با پرسش نامه خودایفا پیمایش خود را روی این نمونه انجام دادند. آن ها دریافتند که بیش از ۸۰ درصد دانشجویان حداقل یک بار کپی کردن در طول امتحان را در دوران دانشجویی خود تجربه کرده بودند. همچنین، ۲۵ درصد آنان در نوشتن پایان نامه و مقاله حداقل یک نوع دستبرد علمی را انجام داده بودند. عملکرد دانشجویان حاکی از آن بود که ۵۰ درصد آنان در طول دوره بالینی خود حداقل یک بار تجربه تقلب را داشته اند. میزان ارتکاب تقلب در دانشجویان دختر به طور معنی داری کمتر بود. امینی و همکارانش نتیجه گرفتند که هر چند بیشتر دانشجویان نگرش مثبت دارند و تقلب را امر ناپسندی می دانند، اما نیمی از آنان مرتکب تقلب شده اند که این موضوع را می توان ناشی از استرس امتحان دانست.

شریف مقدم و دیگران (۱۳۹۵) پژوهشی بر روی نظرات افراد مختلف درباره رعایت حق مولف در ایران انجام دادند. آن ها اطلاعات مورد نیاز خود را از طریق پرسشنامه در سطح شهر مشهد و گروه بحث الکترونیک در سطح ایران گردآوری کردند. حجم نمونه آن ها شامل ۸۴ نفر دانشجو، ۶۶ نفر استاد دانشگاه، ۳۰ نفر طلبه و ۲۶ نفر متفرقه و جمعاً ۲۰۶ نفر از گروه های فوق بود. گروه های مختلف نمونه پژوهشی اعلام کردند که عدم رعایت حق مولف در ایران در رشد اقتصادی، فرهنگی و علمی کشور تاثیر دارد. نمونه پژوهش با درصد نسبتاً بالایی اعلام داشته اند که دستبرد ادبی همانند دستبرد مادی است. بیش از ۲۱٪ از پاسخگویان اعلام کردند که به میزان کم و بسیار کم از تکثیر غیرمجاز احساس گناه می کنند. بیش از ۵۰٪ از پاسخگویان براین عقیده بودند که قانون حق مولف در ایران به خوبی اجرا نمی شود.

غفوری و دیگران (۱۳۹۵) با انجام یک پژوهش پیمایشی تحلیلی از نوع مطالعه کاربردی، و با استفاده از پرسشنامه استاندارد انجمن کتابداران آمریکا مطالعه ای را بر روی تقلب علمی در میان دانشجویان انجام دادند. جامعه آماری آن ها شامل کارکنان کتابدار کتابخانه های مرکزی دانشگاه های علوم پزشکی تیپ یک کشور (۱۱۰ نفر) بود. بیش از ۴۰ درصد از همه پاسخگویان گزارش دادند که به دانشجویان و اساتید در نحوه استناد دهی کمک کرده اند. آزمون کای

اسکوئر نشان داد که بین کتابدارانی که به دانشجویان در خصوص سبک استناد و چگونگی استناد به منابع راهنمایی می کنند و سطح تحصیلات آن ها رابطه ای وجود دارد. در حدود ۳۰ درصد از کتابداران در تهیه بروشور آموزشی و تکالیف درسی با اساتید همکاری داشته اند. ضیائی و بهابادی (۱۳۹۵) با هدف بررسی نگرش و رفتار دانشجویان در رابطه با دستبرد علمی مطالعه ای انجام دادند. روش مورد استفاده آن ها در این پژوهش، توصیفی-همبستگی بود و از پرسشنامه جهت گردآوری اطلاعات استفاده کردند. جامعه آماری مورد نظر آن ها شامل کلیه دانشجویان کارشناسی ارشد دانشگاه پیام نور مشهد بود که ۳۳۲ نفر از آن ها را به عنوان نمونه آماری انتخاب کردند. یافته ها نشان داد که بین نگرش و میزان دستبرد علمی دانشجویان رابطه معنی داری وجود دارد. اما بین میزان دستبرد علمی دختران و پسران تفاوتی وجود ندارد. آن ها نتیجه گرفتند که دستبرد علمی در محیط دانشگاهی شایع شده است و به همین دلیل توصیه کردند که به دانشجویان در این رابطه آموزش های لازم داده شود تا به دلیل عدم آشنایی با اصول نگارش علمی، مرتکب دستبرد علمی نشوند. راهکار دیگر، در جهت جلوگیری از دستبرد علمی، تصویب مقررات و آئین نامه های انضباطی در دانشگاه و اطلاع آن به دانشجویان، جهت توجه به آن می باشد.

همتی و دیگران (۱۳۹۶) با هدف مقایسه رفتار دستبرد علمی و عوامل موثر بر دستبرد علمی در دانشجویان استعداد درخشان با سایر دانشجویان در دانشگاه شیراز مطالعه ای انجام دادند. روش پژوهش آن ها از نوع علی-مقایسه ای بود و جامعه آماری پژوهش آن ها تمامی دانشجویان دانشگاه شیراز بودند که از بین آنها نمونه ای به حجم ۱۵۶ نفر (۷۸ نفر دانشجوی استعداد درخشان به روش هدفمند و ۷۸ نفر از سایر دانشجویان به روش تصادفی) انتخاب شدند. یافته های مطالعه آن ها نشان داد که از نظر رفتار دستبرد علمی میانگین نمره سایر دانشجویان به طور معنی داری بالاتر از دانشجویان استعداد درخشان بود. افزون بر این، یافته های پژوهش آن ها نشان داد که از نظر عوامل موثر بر دستبرد علمی در خرده مقیاس های نگرش مثبت دانشجویان در مورد دستبرد علمی، فقدان خودکارآمدی دانشجویان، مدرک گرایی، فقدان آموزش مناسب در رابطه با دستبرد علمی و نداشتن ترس از تنبیه و مواخذه شدن، میانگین نمره سایر دانشجویان به طور معنی داری بالاتر از دانشجویان استعداد درخشان بود. همچنین در دو خرده مقیاس نبود قوانین و ساز و کار مناسب برای دستبرد علمی و وجود فضاهای الکترونیکی و مجازی بین دو گروه تفاوت معنی داری مشاهده نشد.

۳- بحث و نتیجه گیری

با پیدایش و گسترش فضای مجازی، همه شئون زندگی بشر و از جمله بخش مهمی از فعالیت های علمی به درون این فضا کشیده شده است. ویژگی های درونزاد فضای مجازی باعث می شود انجام برخی کارها مانند کپی کردن و چسباندن بسیار آسان تر شود و به همین دلیل، همان طور که پژوهش های مرور شده در این مقاله نشان می دهند، بی شک باید پذیرفت که در سال های گذشته در ایران میزان تقلب علمی با کمک تکنولوژی های وبی رو به افزایش بوده است. البته، فضای مجازی اثرات مثبتی در جلوگیری از تقلب علمی را هم داشته است و از جمله می بینیم که نرم افزارهای تقلب یاب با توانایی های بالا به بازار معرفی شده اند و در سال های اخیر برخی از نرم افزارهای فارسی تقلب یاب هم کمک کرده اند که با برخی موارد تقلب در فضای مجازی برخوردهای موثری صورت گیرد.

تقلب علمی باعث تقویت افراد ضعیف می شود و در دراز مدت اثرات نسلی گرانباری برای یک کشور دارد و می تواند باعث شود فساد به صورت نمایی در کشور گسترش یابد. به همین دلیل، انجام پژوهش ها و ارائه راهکارها از سوی دانشگاهیان اهمیت بسیار بالایی دارد. پژوهش های مرور شده در این فراتحلیل نشان دادند که یکی از دلایل مهم رواج تقلب در میان دانشجویان ایرانی، ندیدن آموزش های لازم است. صد البته ادعای بی اطلاعی می تواند سازوکاری برای شانه خالی کردن از بار مسوولیت باشد، اما، نباید از نظر دور داشت که بسیاری از پژوهشگران اخلاقی از ظرافت های اخلاق در پژوهش ناآگاه هستند. پیش بینی دو واحد درسی با عنوان اخلاق در پژوهش می تواند بخش زیادی از این خلا را پر کند. همچنین، استادان باید در فرصت های مختلف درباره اخلاق پژوهش با دانشجویان خودشان صحبت کنند.

مسئله دیگر در بحث تقلب علمی در ایران و لزوم حفظ اخلاق، نبود ضمانت اجرایی برای قوانین مرتبط با این حوزه است. به نظر من، به جای مطرح کردن مسائل به صورت کلی و انتزاعی، باید آیین نامه های صریح و دارای ضمانت اجرایی درباره تقلب علمی به مرحله تدوین، تصویب و اجرا برسند. و مهم تر از آن، مسئله تقلب علمی در فضای مجازی را باید در درون زمینه گسترده تر آن در فرهنگ جامعه دید. قوانین گرچه صریح و قدرتمندند اما فقط در جایی موثر عمل می کنند که فرهنگ عمومی جامعه اجازه بدهد. برای حل معضل تقلب علمی در فضای مجازی، باید فرهنگ گسترده تر جامعه به سمتی حرکت کند که تقلب را امری ناپسند بداند.

منابع

- امینی، م.، پریزاد، م.، ریواز، س.، ثاقب، م. م.، و ریواز، م. (۱۳۹۴). مقایسه نگرش و عملکرد دانشجویان پزشکی مقطع بالینی دانشکده پزشکی شیراز در زمینه انواع تقلب دانشگاهی (تقلب در امتحان، تقلب در بالین و تقلب در نوشتن پژوهش و مقاله. نشریه گام های توسعه در آموزش پزشکی، ۱۱۲ (۵)، ۷۰۹-۷۱۷.
- جمشیدی بروجنی، گ.، سعیدی، م. و حیدری، غ. (۱۳۹۳). میزان آگاهی دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه شهید چمران اهواز از مصادیق دستبرد علمی و عوامل موثر بر آن. فصلنامه نظام ها و خدمات اطلاعاتی، ۳ (۴)، ۹۵-۱۰۸.
- زمانی، ع.، عظیمی، س. الف. و سلیمانی، ن. (۱۳۹۲). شناسایی و اولویت بندی عوامل موثر بر دستبرد علمی دانشجویان دانشگاه اصفهان. فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، ۱۹ (۱)، ۹۱-۱۱۰.
- زمانی، ع.، عظیمی، س. الف. و سلیمانی، ن. (۱۳۹۲). مقایسه عوامل موثر بر دستبرد علمی بر حسب جنسیت و رشته تحصیلی از دیدگاه دانشجویان. فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، ۷ (۳)، ۱۱۳-۱۲۹.
- شریف مقدم، ه.، روح الهی، س. و شریف مقدم، س. (۱۳۹۵). مطالعه میزان رعایت حق مولف (کپی رایت) در گستره فعالیتهای علمی کشور. فصلنامه مطالعات حقوقی، ۸ (۱)، ۸۵-۱۰۹.
- ضیائی، ث.، زمانی بهابادی، ن. (۱۳۹۵). دستبرد علمی از دیدگاه دانشجویان کارشناسی ارشد دانشگاه پیام نور مشهد. فصلنامه مدیریت اطلاعات و دانش شناسی، ۳ (۱)، ۸۷-۹۶.
- عابدینی، ی. (۱۳۹۴). ارائه الگوی ساختاری از روابط اهداف پیشرفت، نگرش به دستبرد علمی و عملکرد تحصیلی در دانشجویان. فصلنامه مطالعات اندازه گیری و ارزشیابی آموزشی، ۵ (۱۱)، ۱۴۳-۱۶۰.
- عابدینی، ی.، زمانی، ع.، و خضرزاده، الف. (۱۳۹۳). رابطه ی جهت گیری مذهبی، آگاهی از پیامدها و نگرش به دستبرد علمی و پیشرفت تحصیلی در دانشجویان. مجله پژوهش های کاربردی، ۵ (۲)، ۱۱۷-۱۳۰.
- عاملی، س. ر. (۱۳۸۳). جهانی شدن ها: مفاهیم و نظریه ها، فصلنامه ارغنون، شماره ۲۴.
- عاملی، س. ر. (۱۳۸۵). ارزیابی فضای مجازی ایرانی؛ دوفضایی شدن کره زمین و توسعه واقعی - مجازی: شاخصهای کاربردی ارزیابی؛ فضای وبی ایرانی، گروه ارتباطات و مؤسسه مطالعات آمریکای شمالی و اروپای دانشگاه تهران و شورای عالی اطلاع رسانی تهران، زمستان ۱۳۸۵.
- عاملی، س. ر. (زمستان ۱۳۸۸). فضای محلی جهانی: قدرت و بی قدرتی فرهنگ ها، فصلنامه مطالعات فرهنگی دانشگاه تهران: فصلنامه برگ فرهنگ، ۲۰، ۲۲-۹.
- عاملی، س. ر. (۱۳۸۳). تکنولوژی های هم زمان ارتباطات و دوفضایی شدن فرهنگ. فصلنامه دیدگاه. شماره ۱.
- غفوری، م.، رخس، ف.، و ره افروز، س. (۱۳۹۵). بررسی میزان آشنایی کتابداران پزشکی با راهکارهای مقابله با دستبرد ادبی. نشریه مدیریت سلامت، ۱۹ (۳)، ۷۲-۸۴.
- فعلی، س.، بیگلری، ن.، و پزشکی راد، غ. (۱۳۹۱). نگرش و رفتار دانشجویان دانشکده کشاورزی دانشگاه تربیت مدرس در زمینه دستبرد علمی. فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، ۱۸ (۳)، ۱۳۳-۱۵۱.
- همتی، ع.، شجاعی، س.، سلیمی، ق.، و صادقی ارجمندی، م. ص. (۱۳۹۶). مقایسه رفتار دستبرد علمی و عوامل موثر بر دستبرد علمی در دانشجویان استعداد درخشان و سایر دانشجویان (مورد مطالعه: دانشگاه شیراز). نشریه نامه آموزش عالی، ۱۰ (۱)، ۶۱-۷۷.

کوچکی، ع.، نصیری محلاتی، م.، قربانی، ر.، و خردم دل، پ. (۱۳۹۰). ۳۰ سال پژوهش های زراعی در ایران: بررسی وضعیت اخلاق پژوهش. نشریه بوم شناسی کشاورزی، ۵(۴)، ۳۹۵-۴۰۵.

نخعی، ن.، نیک پور، ه. (۱۳۸۴). بررسی نظرات دانشجویان پزشکی در مورد فریب کاری پژوهشی در تدوین پایان نامه و فراوانی نسبی آن. گام های توسعه در آموزش پزشکی، ۲(۱)، ۱۰-۱۷.

Bruce, N., Pope, D., & Stanistreet, D. (2008). *Quantitative methods for health research: A practical interactive guide to epidemiology and statistics*. Chichester, England: John Wiley & Sons.

Shahghasemi, E., & Akhavan, M. (2015). Confessions of academic ghost authors: The Iranian experience. *Sage Open*, 5 (1).

The Ethics of Science in Iran

Abstract

Despite good place Iran has among universities is in the word, in the last decade or so several academic scandals perpetrated by Iranian professors or students have damaged the reputation of the Iranian academia. Now, search engines and specialized software have provided means to track academic dishonesty, plagiarism and piracy in cyberspace, and there is also possibility to track the plagiarism cases which have been committed even several decades ago. In the last two decades the Iranian authorities have many times denied persuasiveness of academic dishonesty in Iran, but now that websites that offer “academic assistance” work without fear of legal action, and people market pseudo-scientific commodities on the streets of the biggest cities in Iran, it has become impossible to deny allegations of pervasiveness of academic misconduct in Iran. The present study, therefore, conducts a meta-analysis on the previous studies with this topic in the Iranian and international scientific journals. At the end, this study provides a big picture and elaborates on different aspects of academic misconduct in Iran.

Keywords: Academic Misconduct, Scientific Ethics, Research in Cyberspace, Plagiarism